

آکادمی

ایشی گورو نوشتن خلاق

به رنگ زندگی



علی رضا کیوانی نژاد

● «ما به شما مدیونیم آقای ایشی گورو. به شمایي که واژه‌ها را رنگ طراوت می‌زنید و کسی چه می‌داند، شاید زندگی همان باشد که شما تصویر می‌کنید، که نه جای قضاوت است نه جای حکم‌کردن، که وقتی از عشق می‌نویسید، ولو از دولت مستعجلی که پاپانش از همان ابتدا پیداست، کاری می‌کنید که خون تو رگ خواننده بماسد و جوری رُس واژه‌ها را می‌کشید که هر پای آماسیده‌ای توش‌وتوان دودین دوباره می‌یابد. ما به شما مدیونیم که با خواندن «بازمانده روز» تازه دستمان آمد آن ساحل دوری که هر موجی به آن سجده می‌کند، جغرافیای ذهن زیبای شماست نه بازار مکاره بازاری نویسانی که متن‌های بزک‌شده بی‌سروته را به اسم رمان یا هر چیز دیگری به خورد این و آن می‌دهند. ما قدران شما هستیم که بی‌هیچ متنی به ما یاد دادید ادبیات جای فیس‌وفادۀ نیست که آدم‌هایی مثل شما هم پیدا می‌شوند که به یُمن مَجالست با «دیوید لاج» و استفاده از بی‌کران دانش او، مو را از ماست بکشند، سرگرانی نکنند و به وقتش شوخ‌وشگ هم باشند. اتمسفر ذهن شما به همین دلایل و هزاران دلیل دیگر زیباست، خوش‌حالیم که هم‌عصر شما هستیم و می‌توانیم تا تکرار آینه‌ها از شما یاد بگیریم…».

شاید اگر مدیر برنامه‌های کازنُو ایشی گورو کمی روی خواسته من برای انجام مصاحبه با او اصرار می‌کرد و من هم می‌توانستم کُنده هزینه مورد نظر ایشی گورو را خرد کنم، اول نامه‌ای برایش می‌نوشتم شبیه آنچه ابتدای این یادداشت آمد؛ ولی نشد. دو سال صبر کردم. حتی به مدیر برنامه بعدی هم پیغام دادم؛ ولی باز هم نشد. حالا اما تمام آن «نشدن»‌ها با خبر اعطای نوبل ادبی به او، تو گوئی به «شدن» خدم ختم است. انگار ایشی گورو پاسخ سؤالات من و امثال من را داده است؛ اینکه چرا لایق دریافت این جایزه است و اینکه چرا گزیده‌کاری‌اش صرفا یک ژست روشنفکری نیست که فرصتی است مغتتم برای مطالعه. ایشی گورو خالق ناب‌ترین لحظاتی است که هر گدای پابُتی را دست‌کم برای یک شب هم که شده، بر تخت شاهی می‌نشاند. «شبانۀ‌ها» ی او انگار در چنین فضایی نوشته شده است، جایی که خواننده می‌فهمد اسم ایشی گورو شغای شوره‌زاز است که آنجا هر نورستغای اسم خودش را می‌گذارد نویسنده. جایی که وقتی ایشی گورو می‌نویسد، جاده صدای پای راوی را گدایی می‌کند، آنجا که مجنون وعده نان بخورمنیر به معشوق ندهی و پایش را تو ی یک کفش می‌کند که «زندگی بزرگ‌تر از آن است که فقط عاشق یک نفر باشی». آنچه امروز این نویسنده فهیم و بی‌ادعای ژاپنی‌الاصل آن را به متعالی‌ترین شکل ممکن نشان می‌دهد همان «نوشتن خلاق» است که اتفاقاً آن را آکامیک آموخته‌است و اصطلاحا «سواد» این کار را دارد و البته بر کسی پوشیده نیست که به قول «هانس مگنوس انسئنس‌برگر» سواد قاعده نیست که استلنا است، و حالا با اعطای نوبل ادبی به ایشی گورو باید اذعان کنیم که او جزء استثنای ادبیات جهان است: هم رمان‌نویس قابلی است هم داستان‌نویسی که داستان‌های کوتاهش گاه عمیق‌تر از رمان هایش هستند. ایشی گورو ساده می‌نویسد اما بی‌تردید پیچیده می‌اندیشد و این به نظر مهم‌ترین شاخص تفاوت متن نویسنده‌ای است که خوب پیانو می‌زند ولی ترجیح می‌دهد نت را به بردگی واژه دریاورد و بنویسد و بنویسد. او از آن‌دست نویسنده‌هایی است که دوست دارند کج بنشینند ولی راست بنویسند و همین خصلت، شایسته بهترین احترام‌هاست.

تکمله: خوش‌حال که نه، باید بنویسم افتخار می‌کنم به اینکه نویسنده اولین کتابی که ترجمه کرده‌ام به دریافت مهم‌ترین جایزه ادبی جهان نائل شده است اما به همین اندازه ناراحتم از اینکه حال استاد دریابندری این‌قدرها خوب نبود و نیست که مثل سالیان نه‌چندان دور به او زنگ بزنم و تشکر کنم از اینکه «بازمانده روز» را به ما هدیه داد؛ رمان به‌غایت ارزشمند ایشی گورو که خواندنش هم درس رمان‌نویسی است هم دوره رایگان و آکادمیک ترجمه و نشر ادبی. امیدوارم حال جناب دریابندری بهترودی خوب شود که بی‌تعارف، غزل‌واره ترجمه هستند و مایه مباحثات، همین.

خبر

«سونات زخم» در خانه هنرمندان

● **گروه هنر:** نخستین نمایشگاه انفرادی کیارش مسیبی با نام «سونات زخم» جمعه ۱۴ مهر در خانه هنرمندان ایران افتتاح شد. این نمایشگاه که در نگارخانه تابستان خانه هنرمندان برگزار شده، با هدف خوانشی نو از عکاسی تئاتر طبق نظریات نشانه‌شناسی رولان بارت تشکیل شده. ۱۲ اثر منتخب این عکاس که ماحصل فعالیت او در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ است، به نمایش درآمده است. کیارش مسیبی سال ۹۴ به مقام دوم سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی عکس تئاتر فجر رسید. نمایشگاه «سونات زخم» تا ۱۹ مهر ادامه دارد.

هنر . ادبیات

کازونُو ایشی گورو برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۷ شد

یک نوبلیست با ۲ ملیت



ایشی گورو در انگلستان بزرگ شد و تحصیل کرد و با فرهنگ انگلستان چنان عجین شد که کسی اگر بی‌آنکه بداند او ژاپنی است، رمان «بازمانده روز»ش را بخواند خیال می‌کند با نویسنده‌ای روبه‌روست که هفت پشتش انگلیسی بوده‌اند. در سال ۱۹۷۸ در رشته‌های زبان انگلیسی و فلسفه، از دانشگاه کنت مدرک کارشناسی و در سال ۱۹۸۰ در رشته نویسندگی خلاق از دانشگاه انگلیای شرقی مدرک کارشناسی ارشد گرفت. در سال ۱۹۸۲ اولین رمانش، منظر پریده‌رنگ تپه‌ها» را منتشر کرد. دومین رمانش، «هنرمندی از جهان شناور»، جایزه

وایت‌برد را گرفت و رمان سومش، «بازمانده روز» برنده جایزه بوکر شد؛ همان رمانی که ایشی گورو در ایران هم با آن معروف شد. «بازمانده روز» را نجف دریابندری ترجمه کرد و ایند اولین رمانی بود که از ایشی گورو به فارسی ترجمه شد. «وقتی بنیم بودیم» به ترجمه مژده دقیقی، «هرگز ترکم مکن» به ترجمه «مهدی غبرایی»، «شبانۀ‌ها» به ترجمه علی‌رضا کیوانی نژاد، «غول مدفون» به ترجمه امیرمهدی سبک چین آستین و کافکا دانسته است، یعنی ترکیبی از سبک دو نویسنده‌ای که دست‌کم در نگاه اول شاید کوچک‌ترین قرابتی با هم نداشته باشند.

شده‌اند. از بعضی از این آثار هم بیش از یک ترجمه فارسی وجود دارد، مثل «غول مدفون» که سهیل سَمی هم آن را به فارسی ترجمه کرده و مجموعه داستان «شبانۀ‌ها» که با ترجمه خجسته کیهان هم منتشر شده است.

از روی رمان‌های «بازمانده روز» و «هرگز ترکم مکن» ایشی گورو فیلم هم ساخته شده است. هیئت داوران آکادمی نوبل سبک ایشی‌گورو را ترکیبی از سبک چین آستین و کافکا دانسته است، یعنی ترکیبی از سبک دو نویسنده‌ای که دست‌کم در نگاه اول شاید کوچک‌ترین قرابتی با هم نداشته باشند.

«کوکوی کبوتران حرم» روی صحنه رفت

گروه هنر: مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری تهران گفت: تئاتر «کوکوی کبوتران حرم» با زبانی عامیانه و ساده، گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی را برای همگان بیان می‌کند. ثریا شارق، دربراره نمایش «کوکوی کبوتران حرم» گفت: این نمایش اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم به لایه‌های درونی آسیب‌های اجتماعی که زنان درگیر آن هستند، دارد و نویسنده و کارگردان این نمایش در نظر دارند در عین کثرت و تنوع دردهای ۱۲ پروژۀ، هماهنگی و هم‌نوایی آنها را به صدای کبوتران و مظلومیت و معصومیت آنها را به کبوتران حرم تشبیه کنند و همچنین تکیه‌گاه آنها را به امام رضا(ع) نشان دهند. او اضافه کرد: همین‌طور دلیل درد مشترک همه آنها را مردان جامعه می‌داند؛ عاملی که در معادلات اسمی کمتر نامی از آنها برده می‌شود و جامعه بیشتر زنان را مقصر می‌داند و مورد طعنه و سرزنش قرار می‌دهد. نکته دیگر اینکه نویسنده و کارگردان بخشی از مشکلات را در افراط و تفریط‌های عملکرد گذشته می‌بیند که نتیجه آن را به شکل ترس و دلهره و در نهایت دوگانگی‌های رفتاری که در ظاهر و باطن نمایان‌گر می‌شود، به نمایش می‌گذارد. در مقابل هر کاراکتر نیز یک یا دو مرد با خصوصیاتی متضاد وجود دارد، خانواده و افرادی که جامعه را از یک سری منکرات نفی می‌کنند؛ اما خود گرفتار همان منکرات هستند. مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری تهران گفت: درکل این تئاتر با زبانی عامیانه و ساده قصد دارد گرفتاری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی را برای همگان بیان کند.

بزرگداشت کیارستمی در جشنواره بیروت

گروه هنر: بزرگداشت زنده‌یاد «عباس کیارستمی» با حضور فرزند این کارگردان و تعدادی از همکارانش در بیستمین جشنواره فیلم بیروت» که در کشور لبنان در حال برگزاری است، برگزار می‌شود. بیستمین جشنواره فیلم بیروت از ۱۲ تا ۲۰ مهر در کشور لبنان در حال برگزاری است و برنامه بزرگداشت عباس کیارستمی را نیز با حضور احمد کیارستمی، همایون ارشادی، طوفان گرکانی (همراه و مترجم عباس کیارستمی)، علی ملکی (دستیار عباس کیارستمی و سرپرست جلوه‌های بصری دو فیلم «۲۴ فریم» و «منو خونه ببر»، انسیه ملکی (سرپرست صداگذاری دو فیلم «۲۴ فریم» و «منو خونه ببر») و چارلز گیلیبرت (از شرکت سسی جی سینما و تهیه‌کننده «۲۴ فریم») در برنامه خود دارد. فیلم «دختری در میان اتاق» ساخته کریم لکزاده، «آن مرد با اسب آمد» ساخته حسین ربیعی‌دستجردی و «سکوت» ساخته علی عسکری و فروزش صمدی (محصول ایتالیا) در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه خاورمیانه، «در پناه بلوط» ساخته مهدی نورمحمدی در بخش مسابقه فیلم‌های مستند خاورمیانه، «الان» ساخته مصطفی گندم‌کار در بخش میدان عمومی و در بخش بزرگداشت عباس کیارستمی فیلم‌های «۲۴ فریم»، «طعم گیلان»، «خانه دوست کجاست؟»، «یاد ما را خواهد برد»، «منو خونه ببر»، «مسافر»، «زیر درختان زیتون» و «۷۶دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی»، ساخته سیف‌الله صمدیان به نمایش درخواهند آمد.

برندگان دهمین دوره معرفی شدند

تقدیر از برترین‌های معماری داخلی در ایران

معماران ایران، علیرضا قهاری، به‌عنوان رئیس انجمن مفاخر ایران، حمید میرمیران به‌عنوان نماینده بنیاد میرمیران، دکتر محسنی به‌عنوان نماینده انجمن معماران داخلی ایران و آرلن استغفانیان به‌عنوان نماینده کانون معماران دانشگاه تهران نیز به جایگاه دعوت شدند و تقدیرنامه‌های خود را قرائت کردند.

در انتها داوران جایزه به جایگاه آمدند و جوایز نقدی و لوح همراه با گواهی‌نامه‌های برندگان را به ایشان



علی شروقی

اگر آکادمی نوبل، سال گذشته با دادن نوبل ادبیات به باب دیلن بسیاری از اهالی ادبیات، از جمله جمع کثیری از ادیبانی‌های ایران را کله‌مند کرد در عوض به نظر می‌رسد امسال با اهدای این جایزه به کازونُو ایشی گورو آنها را قدری تسلی داده باشد، گرچه ژاپنی‌ها گویا انتظار داشته‌اند نویسنده محبوب‌شان، هاروکی موراکامی، طبق حدس‌ها و پیش‌بینی‌هایی که البته در مورد نوبل ادبیات اغلب غلط از آب در می‌آیند، امسال این جایزه را بگیرد. طبق خبری که ایستا به نقل از گاردین منتشر کرد آنها کمی پیش از اعلام نام برنده نوبل ادبیات امسال، نزدیک معبدی در توکیو جمع شده بودند و نوبل‌گرفتن موراکامی را به پیشواز رفته بودند، اما وقتی آکادمی نوبل نام نویسنده‌ای کمتر ژاپنی‌ا اما زاده ژاپن را به‌عنوان برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۱۷ اعلام کرد، ژاپنی‌های طرفدار موراکامی برای ایشی گورو هم ابراز شادمانی کردند. کازونُو ایشی گورو در سال ۱۹۵۴ در ناکازاکی ژاپن به دنیا آمد، اما شش سال بیشتر در ژاپن زندگی نکرد و در سال ۱۹۶۰ با خانواده‌اش به انگلستان رفت. مهاجرتی که بعدها ایشی گوروی داستان‌نویس را به نویسنده‌ای از تبار مهاجرهای معروف ادبیات جهان بدل کرد. نویسنندگانی نظیر ژورف کِراد و نابوکوف که تاثیر مهاجرت و نوشتن به زبان «دیگری» در ثرشان هویدا بود، نجف دریابندری در مقدمه ترجمه رمان «بازمانده روز» ایشی گورو، ضمن صحبت از قرابت ایشی گورو با این سنخ نویسندگان، از قول منتقدان ادبی درباره چنین نویسندگانی می‌گوید: «راز شیوایی نثر این نویسندگان همان خارجی‌بودن آنهاست؛ اینها توانسته‌اند از بیرون به زبان انگلیسی نگاه کنند و آن را به صورت یک ابزار ظریف به کار برند.» دریابندری ایشی گورو را «آخرین فرد این سلسله» می‌داند اگرچه بلافاصله اضافه می‌کند که او چون «از شش‌سالگی به بعد در انگلستان به سر برده است، شاید حتّی آب و گل او در زبان و ادبیات انگلیسی بیش از دیگران باشد.»

«ماتریوشکا» با ۱۳ اجرا فروش شد

گروه هنر: نمایش‌های «ماتریوشکا» با سه‌هزارو ۱۳۲ مخاطب، «هزار شلاق» با دوهزارو ۳۴۴ مخاطب، «رولور» با هزارو ۶۴۸ مخاطب و «نمی‌تونیم راجع بهش حرف بزنیم» با هفت‌هزارو ۸۸۹ مخاطب به کار خود پایان دادند. نمایش‌های «ماتریوشکا»، «هزار شلاق»، «رولور» و «نمی‌تونیم راجع بهش حرف بزنیم» که از پنجم، هشتم و بیست‌وششم شهریور در ساعت‌های ۱۸، ۱۹:۱۵ و ۲۱ اجرای عمومی خود را در سالن‌های ناظرزاده‌کرمانی و سمندریان تماشاخانه ایران‌شهر آغاز کرده بودند، به کار خود در این مجموعه پایان دادند. نمایش «ماتریوشکا»، به کارگردانی پارسا پیروفر در ۱۳ اجرای خود پذیرای سه‌هزارو ۱۳۲ مخاطب بود. از این تعداد مخاطب، ۳۹۷ مخاطب با بلیت‌های ۳۰هزارتومانی و دوهزارو ۶۴۲ مخاطب با بلیت‌های ۴۰هزارتومانی به تماشای این نمایش نشستند. همچنین تعداد ۹۳ مخاطب شامل هنرمندان و اصحاب رسانه، با بلیت میهمان به تماشای این نمایش نشستند. طبق این آمار، فروش نمایش «ماتریوشکا» در ۱۳ اجرا مبلغ ۱۱۹ میلیون و ۵۷۵ هزار تومان بوده است. نمایش «هزار شلاق»، به کارگردانی (معمار معاصر ایران) پنجشنبه ۱۳ مهر در سالن مخاطب بود. از این تعداد مخاطب، هزارو ۵۹۱ مخاطب با بلیت‌های ۱۵، ۲۰ و ۲۱ هزارتومانی و ۵۲۲ مخاطب با بلیت ۳۰هزارتومانی به تماشای این نمایش نشستند. همچنین تعداد ۲۲۴ مخاطب شامل هنرمندان و اصحاب رسانه، با بلیت میهمان به تماشای این نمایش نشستند.

گروه هنر: کتابخانه ملی در سیزدهمین روز پاییز شاهد مراسمی ویژه با حضور معماران مطرح معاصر برای معرفی خلاقانه‌ترین و بهترین طرح‌های معماری داخلی بود. مراسم دهمین جایزه معماری داخلی ایران به همراه تقدیر از مهندس ایرج کلانتری (معمار معاصر ایران) پنجشنبه ۱۳ مهر در سالن قلم کتابخانه ملی برگزار شد؛ جایزه‌ای که بانی و برگزارکننده‌اش فصلنامه معماری و ساختمان است.

ابتدا فیلم کوتاهی از مرور بر ۹ دوره جایزه معماری داخلی ایران از سال ۱۳۸۷ همراه با معرفی داوران و برندگان در سال‌های پیشین به نمایش گذاشته شد. سپس بیانیه جایزه از طرف نماینده هیئت داوران، مهندس یانته‌آ اسلامی قرائت شد و بعد از آن فیلمی از ۱۳۳ شرکت‌کننده در دو گروه ساختمان‌های طراحی و اجراشده- بازسازی و مرمت همراه با زیرگروه‌های عمومی و مسکونی، در مراسم جایزه پخش شد. در بخش بعدی بیوگرافی مهندس ایرج کلانتری به وسیله مجری خوانده شد و فیلم کوتاهی از پروژه‌های ایشان هم روی پرده رفت. سپس احمد زُهادی، مدیرمسئول فصلنامه معماری و ساختمان و برگزارکننده جایزه، به جایگاه آمد و مهندس کلانتری را هم به جایگاه دعوت کرد. او از بهرام شیردل، فریار جواهریان و فرامرز شریفی نیز که در دوره‌های قبل مورد تقدیر در مراسمی مشابه قرار گرفته بودند، دعوت کرد در جایگاه حضور داشته باشند. در ادامه مهندس سیدمحمد بهشتی، به‌عنوان نماینده جامعه

ادامه از صفحه ۷

رئیس دولت اصلاحات

به‌ما احترام گذاشت

احمدی نژاد حتی نظر نخواست

ا اسم‌ها را می‌توانید بگویید؟

دبیرکل که بنده بودم و هنوز هم هستم، آقای بادامچی‌بان به‌عنوان رئیس شورای مرکزی و آقای توکلی‌بینا هم به‌عنوان رئیس هیئت نظارت. جلسه سه‌نفره بود. حدود ساعت ۱۲ شب با تعاملاتی که با بیرون و داخل مؤتلفه داشتیم و ممکن‌نبودن اینکه شورای مرکزی جلسه داشته باشد تصمیم [خود را گرفتیم]. قبول داریم این تصمیم شورای مرکزی نبود اما تصمیم مدیریتی سه نفر از مسئولان طرازاول مؤتلفه بود. حدود ساعت ۱۲ تصمیم گرفتیم بیانیه بدهیم. در اطلاعیه اعلام کردیم مؤتلفه اسلامی از ادامه نامزدی کاندیدای مورد نظر خود صرف‌نظر کرده و از آقای رئیسی حمایت می‌کند. این [اطلاعیه] ساعت ۱۲:۱۵، ۱۴روی رسانه‌ها قرار گرفت. قبلا با آقای میرسلیم صحبت‌هایی شده بود ولی ایشان اصرار به ماندن داشتند. بعد از اطلاعیه ما، ایشان اعلام کردند باز هم می‌مانند. فردای آن روز هم با ایشان یک جلسه گذاشتیم که ما فکر می‌کنیم مصلحت مؤتلفه و جریان اصولگرایی و روحانیت در این است که شما اعلام انصراف نکنید. آقای میرسلیم گفتند من چنین مصلحتی را احساس نمی‌کنم و در قایت باقی ماندند.

ا شما اول بحث اشاره کردید که حزب مؤتلفه

بین خواص جایگاه و پذیرش دارد...

نه، من عرض کردم مطرح است نه اینکه همه

خواص را ما می‌پذیرند.

ا همین را می‌خواستم بگویم، اینکه در جمنّا

آقای میرسلیم رای لازم را نمی‌آورد. پس به نظر

می‌آید که حزب مؤتلفه جایگاه محکم و قوی‌ای

ندارد که نامزد مورد نظرش رای نمی‌آورد.

به نظر من آن طرف هیچ‌کس با حزب مؤتلفه

دشمنی ندارد. بنده هیچ اصولگرایی را دشمن مؤتلفه

نمی‌دانم. در اصول هم در اکثریت موارد مشترک فکر

می‌کنیم؛ اما در سلیقه‌ها، عده‌ای سلیقه مؤتلفه را

قبول ندارند ما هم بعضی از سلایق آنها را قبول نداریم.

ا خیلی جالب است که آقای زاکانی و آقای

حاجی بابایی رای می‌آورند و آقا میرسلیم رای

نمی‌آورد. اینجا بحثی مطرح بود که چیش جمنّا

شبه‌مهندسی‌شده بود و مثلا یاران آقای زاکانی در

کنگره بیشتر بودند. شما هیچ اعتراض یا نقدی به

این بحث‌ها ندارید؟

ما برای اینکه علیه هیچ اصولگرایی حرفی نزده باشیم، از این نظر تحلیل‌ها ارائه نمی‌دهیم. بنابراین وارد میدان شد که نامزد مؤتلفه رای نیاورد و دیگری رای آورد، نمی‌شوم؛ چون سابقه تشکیلاتمان هم از دیگران بیشتر است، معتقدم در بعضی از موارد باید نقش سنگ زیرین آسیا را بر عهده بگیریم. البته در جلسات خصوصی اصولگرایان ارائه هیچ نظری ممنوع نیست.

ا فکری می‌کنم مؤتلفه درکل فعلا همین نقش سنگ زیرین را پیدا کرده است.

ما اگر بتوانیم در هماهنگی بین اصولگرایان نقش ایفا کنیم، از حالا به بعد هم آیا نخواهیم کرد.

ا سؤالی هم درباره بحث نواصولگرایی داشتم.

شما هم آقای مصباحی‌مقدم و کل جریان‌های ستنی اصولگرایی به بحثی که آقای قالیباف مطرح کردند، روی خوشی نشان ندادید. ولی به‌تازگی دیدم آقای باقر لاریجانی از این بحث استقبال کردند که «بیرمردها باید کنار بروند و عرصه را به جوانان بدهند». برمی‌گردیم به سؤالی که کردم: آیا نقش جریان‌های سنتی در اصولگرایی کم شده و دیگر حرفشان خوانده نمی‌شود؟

ببینید اولاً آقایان خودشان تعریفی از نواصولگرایی اعلام نکرده‌اند. بنده هم وقتی صرف نکردم که حرف شخص دیگری را تفسیر بکنم، اصولگرایی و نواصولگرایی را تعریف‌کنند تا بعدا ما در مقام توضیح و تفسیر برآیم؛ البته اگر لازم دانستیم.

ا فکر نمی‌کنید یک‌جور فراکنشی باشد؟ چون اتفاقاً جریان و تصمیمات در دست همین نواصولگراها بوده و مثل اینکه حالا که می‌خواهند مقصر پیدا کنند، کاسه‌وکوزه‌ها را سر بیرمردها می‌کشند؛ ممکن است که بحث این باشد؟

به نظر من در جریان اصولگرایی آنچه‌ای که بحث اصول است، ما هیچ فرقی با یکدیگر نداریم؛ یعنی در اصولی که پایداری و ایثارگران و روحانیات و قالیباف به آن معتقدند، هیچ اخلاقی وجود ندارد؛ اما در روش‌ها قطعاً با هم اختلاف نظر داریم.

ا اینکه آقای قالیباف می‌گویند در رأس هرم اختلال است و ارتباط راس با بدنه قطع شده است و بحث آتش به اختیار را مطرح می‌کند، فکر کنم ناشی از ناراحتی ایشان از تصمیم جمنّا و باخت اصولگرایان را به‌خاطر تصمیم اشتباه راس می‌داند.

ببینید من از شما عذرخواهی می‌کنم؛ اما خودم را موظف نمی‌دانم آقای قالیباف با غیر از آقای قالیباف هر حرفی که می‌زنند من هم بلافاصله آن را تفسیر کنم. باید از خود آقای قالیباف بپرسید. من قبل از اینکه به سوال پاسخ بدهم، تأمل می‌کنم که آیا باید پاسخ بدهم یا خیر؟ خیلی از مواقع ختم‌ها و آقایان خبرنگار از من سؤالی را مطرح می‌کنند و من هم به‌راحتی می‌گویم من به این سوال پاسخ نمی‌دهم. سؤال‌کردن حق شماس‌ت؛ اما پاسخ‌دادن وظیفه بی‌چون‌وچرای من نیست. راجع به حرف‌های دیگران من هروقت احساس وظیفه کنم پاسخ می‌دهم.

ا پس هنوز احساس وظیفه نکرده‌اید؟

نه احساس وظیفه نکرده‌ام.